



از ایرج میرزا شاعر نامدار اخیر ایران، سه نامه در اختیار داشتم که دو تای آنها در زیر از نظر خوانندگان می‌گذرد و نامه سوم را در کتابخانه‌ام پیدا نکردم. نامه‌ی پیدا نشده را سال‌ها پیش دوست گرامیم آقای نصرت... نوح به من لطف کرد. نامه‌ای را که به دست نیاوردم گمان دارم در سال ۱۳۰۰ هـ. ش ایرج از تهران به رشت به کسی نوشته بود و سفارش کسی را کرده بود. ایرج در نگارش نثر همچون نظم شیرین کار بود و بی‌پروا. ایرج خط و ربط و فنون شاعری و دبیری را ابتدا از پدرش آموخت؛ پدرش صدرالشعرا یکی از شعرای درباری بود خط زیبایی داشت و چون در دستگاه ولیعهد مظفرالدین میرزا در تبریز سمتی داشت فرزندش ایرج را به مدرسه‌ی دارالفنون تبریز که شعبه‌ای از دارالفنون تهران بود گذاشت تا به فراگیری زبان فرانسه بپردازد. در همان زمان که ایرج در دارالفنون تبریز به تحصیل مشغول بود نشریه‌ی دارالفنون تبریز را به خط زیبای خود تحریر می‌کرد و آن نشریه به چاپ می‌رسید. نشریه‌ی مذکور چند سال پیش به همت محقق فرزانه آقای سیدفرید قاسمی تجدید چاپ شد. آن نشریه را کسانی که مشغول تحقیق درباره‌ی مطبوعات ایران بودند نمی‌شناختند اما امروز در اختیار دارند. آثار دیگری را که از ایرج به غیر از دیوان شعرش می‌شناسیم شناخت نامه‌ای است که او به دستور مظفرالدین میرزا ولیعهد درباره‌ی شناخت خاندان قاجار نوشته و نسخه‌ی اصل آن اینک در کتابخانه‌ی کاخ گلستان نگهداری می‌شود. ایرج بنا به نوشته عبرت نایینی در مدینه‌الادب: چاپ اول، چاپ مجلس شورای اسلامی:

«چون به سن رشد و تمیز رسید پدر او در تربیت وی بکوشید و معلمی بر وی برگماشت تا پارسی را بیاموخت. آن گاه به مدرسه دارالفنون تبریز که شعبه دارالفنون طهران بود جهت تعلیم زبان فرانسه رفته در خارج نیز در حوزه‌ای که آشتیانی‌ها برای تحصیل و تکمیل منطق و معانی و بیان ترتیب داده بودند حضور به هم رسانید و چون سال عمرش به چهارده رسید امیرنظام حسن علی خان گروسی چون در وی استعداد و حسن قریحه و ذکاوت بدید وی را با پسرش که نزد مرحوم میرزا عارف تحصیل ادبیات و نزد مسیو لامپر فرانسوی تحصیل زبان فرانسه و بعضی علوم می‌نموده همدرس کرد. و در آن اوان یعنی در سن چهارده سالگی شعر نیکو می‌گفت و امیرنظام مخصوصاً وی را به گفتن اشعار امر می‌کرد وصله و جایزه می‌داد و خط تحریر و نسخ و تعلیق را نیز فرا گرفته، نیکو می‌نوشت و در اخوانیات دستی به سزا داشت. چنان که در اوقاتی که در دستگاه امین‌الدوله صدراعظم سمت منشی‌گری داشت کلیه اخوانیات را به وی رجوع میکرد. علی‌الجمله چون امیرنظام مدرسه مظفری را به ریاست مسیو لامپر در تبریز افتتاح کرد. ایرج میرزا در آن مدرسه سمت معاونت یافت.»^۱

آنچه را باید درباره‌ی ایرج نوشت زنده یادان عبرت نایینی و دکتر محمدجعفر محبوب در مدینه‌الادب و مقدمه‌ی دیوان ایرج نوشته‌اند به خصوص نوشته‌ی ۵۸ صفحه‌ای محبوب که به همه‌ی جوانب زندگانی ایرج پرداخته است. عبرت آورده است:

«باری چون از تبریز به طهران آمد ریاست کابینه محاکمات مالیه با وی بود. از آن پس به سمت معاونت مالیه خراسان بدان جا رفته چندی رئیس مالیه آن حدود بود.»^۲

از مفاد نامه‌ی اول ایرج که خطاب به آقای امجدالسلطان معاون وزارت عدلیه نوشته، چنین پیداست که شخصی از ایرج ادعای طلب کرده و ایرج به معاون وزارت عدلیه نوشته که: اگر آغا شاهزاده از من طلبی دارد در محضر شرع قسم بخورد که پول به بنده داده تا من جوابگوی او باشم.

متن نامه و دستور معاون عدلیه را در زیر مطالعه می‌فرمایید.

عنوان روی پاکت که به خط ایرج میرزا جلال الممالک است به قرار زیر است.

«حضور مرحمت ظهور مبارک جناب مستطاب اجل اکرم امجد افخمم آقای

امجد السلطان دام اقباله العالی مشرف شود.»

و نیز متن نامه‌ی ایرج به امجد السلطان به قرار زیر است:

«حضور حضرت اجل آقای معاون وزارت عدلیه دام اقباله العالی: آنچه البته به



●
انج میرزا

جائی نرسند فریاد است. لااقل بیکی از این دو سه فقره عرض و تظلم شرعی یا قانونی بنده رسیدگی و توجہی فرمائید. در باب ادعای مخدره آغا شاهزاده بر بنده در محاکمات شعبه چهارم، بنده محکوم واقع شده و صورت راپرتی نوشته اند که دوسیه حاضر است که عرض کرده ام این معامله صوری بوده، و جہی به من نرسیده محکمه ابداً به این حرف و عرض بنده اعتنا ندارد. آیا این عرض شرعی نیست و از همه گذشته بنده حق یک قسم بر آغا شاهزاده ندارد؟ چرا جواب این عرض را نمی دهند، مشارالیها حاضر شود در محضر شرع قسم بخورد که پول به بنده داده بعد هر چه تکلیف عدالتی دیوانخانه است معمول دارند اگر باید در این مسئله استیناف خراست سی و یک روز مهلت استیناف از برای تهیه وجه استیناف است بنده وجه حاضر ندارد. اداره اجرا یک روز امان نمی دهد که بنده فکری بکند. پس مقرر فرمائید اجرا چند روزی مهلت بدهد تا بنده تهیه وجه استیناف را کرده و استیناف بخواهد مستدعی است جواب یکی از این دو عرض را به اجرا مرحوم فرمائید که مأمور اجرا مزاحمت نکند و از دریاخانه بنده برخیزد تا بیکی از این دو شق که عرض شده رفتار شود. امر، امر مبارک است.»

عریضه جلال الممالک



وزارت مالیه

اداره

مورخه ۲۳ شهریور ۱۳۲۷

نمره ۳۹۳۴

سازن دوزرت عبده عذلیه اعظم

در باب دوزرت عظمی و دوزرت عظمی و دوزرت عظمی و دوزرت عظمی
 شریعتی در آن با هم بر زمین شایسته است و در آن کیفیت و در آن است
 آنچه که در آن است و در آن است و در آن است و در آن است
 و در آن است و در آن است و در آن است و در آن است

• دستخط ایرج میرزا

۲۲۲

معاون وزارت عدلیه آقای امجدالسلطان روی پاکت نامی ایرج نوشته است:

«دایرة جلیله اجرا در صورتی که موعدا از استیناف باقی است و آقای جلال الممالک استیناف خواهد داد تا انقضای مدت حق استیناف مدارا نمائید که تهیه وجه نموده حقوق استیناف را برساند والا هر طور که تکلیف است معمول دارید.»

مهر پاکت

جلال الممالک

نامی دو خط عنوان پاکت از دیگری است و داخل پاکت که مهر جلال الممالک را دارد دو نامه موجود است یکی به خط ایرج میرزا جلال الممالک و نامی دیگر که خط دیگری است و بسیار بد خط. و املا غلط و پر از غلط مربوط به خانوادگی مستشار دفتر است. شاید این نامه به خط بانویی باشد؟ نامی ایرج، مارک وزارت مالیه را دارد و مورخه ۲۳ شهریور ۱۳۲۷ ق به شماره ۳۹۳۴ نوشته شده است موضوع آن در باب ورثه مرحوم مستشار دفتر است که متن آن به قرار زیر است. متن نامه ایرج میرزا جلال الممالک:

«علامت شیر و خورشید وزارت مالیه، اداره، مورخه ۲۳ شهریور ۱۳۲۷، نمره ۳۹۳۴. معاون جلیله عذلیه اعظم. در باب ورثه مرحوم مستشار

صدوقت نمبر بزرگ حضرت میر اکرم الہدیہ قسم آقا میر علی نقی داماد آقا میرزا محمد علی

درجہ سوم
درجہ اول
درجہ دوم
درجہ سوم
درجہ اول
درجہ دوم
درجہ سوم
درجہ اول
درجہ دوم
درجہ سوم

دفتر مرقوم رفته بود در مجلس محاسبات حکم شده که باید ورثه مزبور شش صد تومان به حاجی میرزا حسین شالفروش بدهد. موافق تحقیقاتی که از عدلیه اعظم به عمل آمده همچو محکومیتی بود رثه مستشار دفتر داده نشده است که مرحوم شده ورثه استیناف بدهد. در صورتی که در محکمه رسیدگی نشده و حکمی نداده اند چگونه ورثه استیناف بدهند. امضاء»

نامہ دیگری کہ در این پاکت موجود است و بہ نظر می آید از ورثہی مستشار دفتر باشد کہ بہ ایرج نوشته اند و نامہی دوم ایرج دربارہی موضوع ورثہی مستشار دفتر است کہ در بالا ملاحظہ فرمودید. اینک متن نامہی سوم را کہ ارتباط با نامہی ایرج دارد ملاحظہ می فرمایید. این نامہ ایامی بہ ایرج نوشته شدہ کہ او رییس محاکمات (وزارت مالیه بودہ و ورثہی مستشار دفتر از او خواستہ اند کہ ایرج بہ پروندہی آنها دقیق تر نگاہ کند. تا مشکل آنها برطرف شود.

متن نامہای کہ پیوست نامہی دوم ایرج است:

«تصدقت گردم: در باب یک فقره ماضی کہ راپرت صادر کردہ است عرض کردہ بودم مقرر شود دوسیه محاکمہ بندہ را با راپرت رئیس محاکم ملاحظہ نماید اگر بموجب دوسیه راپرت صادر شدہ است بفرمائید بندہ عرضی ندارم و اگر بہ موجب دوسیه نباید راپرت صادر شود ہر چہ تکلیفشان است رفتار کنند جوابی

صدر حضرت میر تقی میر و وزارت عدلیہ دہلی قلم اولیٰ

آنچه آید بجای نرسد زیاد است لافتر یک از این سه فقره عرض نظر فرمایند

باقا نرسد بنده رسید که دو فقره نماید در باب ادعای مخدومه

در محاکمات شعبه چهارم بنده مکوم واقع شده و صورت را بر آن کوشیده

در تفسیر عبارت که عرض کرده ام این عبارت صور بود و بهر حال کوشیده

محکم است این حرف در عرض بنده عرض ندارد آیا این عرض شرفیست و از

جبر کوشیده بنده قیاسی قسم بر آن افتاده ندارد بجز در این عرض

نیده است اما همان ضرر نمود در کسر شرح قسم بخورد که اول بنده دادند

هر چه کتف عدالت در بنده است مسموم دارند

اگر باید در این سکه استیفاء قیمت سر و کلاه استیفاء از این استیفاء

بنده وجه ضرر ندارد اداره اجرا یک روز مانده به که بنده کوشیده

پس سرور است اجرا ضعیف روزی است بر همه تا بنده تمهید به استیفاء

کرده و استیفاء بر آن سه عبارت جواب یک از این عرض

بجز از این استیفاء که در اول استیفاء است و در این استیفاء بنده

که مرقوم داشته بودید به رئیس محاکم نشان داده شرح نوشته‌اند به نظر مبارک رسیده ملاحظه فرمائید زبانی میفرمائید من هیچ‌کاره هستم اگر بدانم محکمه راپرت برخلاف صادر می‌کند جز آن را هم حقی دیگری ندارم دیدن راپرت برای شما چه فایده دارد مأمور اجرا می‌خواهد (متن می‌خواهد) راپرت را اجرا نماید نه تکلیف بنده معلوم است نه تکلیف مأمور اجرا، استدعا دارم بجز مبصر که حق این کار را دارد بفرمائید دوسیه محاکمه و راپرت بنده [را] ملاحظه نماید اگر حق داشته است راپرت صادر نماید بنده عرض ندارم. والا تکلیف با حضرت مستطاب اجل عالی است همین قدر عرض می‌کنم قدری از وضع (متن وزع) بنده خاطر (متن: خواطر) مبارک مسبوق است. سه سال است عارض هستم و چند فقره راپرت صادر شده هیچ یک (متن: هچ) تا به حال اجرا نشده است یک فقره مصارف (متن: مسارف) به هم رسانیده‌ام و گمانم این است راپرت نباید صادر شود صادر گردیده هر روز مأمور می‌خواهد (متن می‌خواهد) اجرا نماید نمیدانم راپرت‌های بنده چرا نباید اجرا شوند یک فقره را مرقوم داشته بودید مأمور روانه کند برود اجرا اجرا می‌گوید مأمور نداریم روانه کنیم همین قسم معطل مانده است. زیاد عرضی ندارد امضاء درست خوانده نمی‌شود معلوم نیست اسمعیل است یا موسوی؟؟»

این بود آنچه باید در اطراف دو نامه‌ی ایرج میرزا جلال الممالک به نظر خوانندگان عزیز

بخارا برسد.

والسلام.

نشر نوگل منتشر کرده است:

- خاطرات و زندگینامه دکتر سیدابراهیم چهارزی / به کوشش: مرتضی رسولی‌پور
- خاطرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی دکتر حسین خطیبی / به کوشش: مرتضی رسولی‌پور